

در امتداد تاریکی

از دواج طمعکارانه!

زمانی که فهمیدم دفتر چه بیمه درمانی ام تمدید نشده است و دیگر اعتباری ندارد هراسان و نگران با شوهرم تماس گرفتم اما او با حرف هایش چنان اشک هایم را سرازیر کرد که...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن ۴۱ ساله با بیان این که شوهرم سنگ بنای ازدواج ما را بر اساس سیم و زرهای پدرم گذاشته بود، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری آبکوه مشهد گفت: پدرم در زمینه ساخت و ساز مجتمع های مسکونی و تجاری فعالیت می کرد و به همین دلیل وضعیت مالی خوبی داشت. او چندین واحد مسکونی و تجاری را به رهن و اجاره واگذار کرده بود. در یکی از مغازه ها جوانی به نام رحمت قطعات و لوازم رایانه می فروخت و همچنین رایانه های دارای نقص فنی را تعمیر می کرد. او که در رشته مهندسی کامپیوتر تحصیل

کرده بود، از چندین سال قبل در یکی از مغازه های اجاره ای پدرم فعالیت داشت. من هم تحصیلاتم در مقطع کاردانی رشته حسابداری را تمام کرده بودم که روزی مادر رحمت با پدرم تماس گرفت تا مرا برای شرکت شرواوستگاری کند. پدرم با تعجب پرسید مگر رحمت هنوز مجرد است؟ خلاصه خیلی زود مراسم خواستگاری برگزار شد و من و رحمت از دواج کردیم. در این میان پدرم برای رونق کسب و کار رحمت گاهی به او کمک مالی می کرد و او هم دامنه فعالیت های مهندسی اش را گسترش می داد تا این که از حدود ۱۰ سال قبل آرام آرام اوضاع مالی رحمت بهتر شد و کسب و کارش رونق گرفت. اگرچه همسرم با درآمد خوبی که داشت یک شرکت بزرگ مهندسی رایانه را راه اندازی کرد اما هر روز خسیس تر می شد و برای مخارج روزانه منزل من حساب و کتاب می خواست. کار به جایی رسید که هر بار برای خرید منزل تقاضای پول می کردم با عصبانیت فریاد می زد برو از پدر پولدارت بگیر! بعد از آن که پسرم به دنیا آمد، تازه فهمیدم رحمت هیچ علاقه قلبی به من ندارد و تنها به خاطر ثروت پدرم با من ازدواج کرده است چرا که خانواده او از نظر مالی ضعیف هستند و همسرم مخارج زندگی آن ها را نیز می پردارد. استرس و نگرانی عجیبی سراسر وجودم را فرا گرفته بود اما به خاطر فرزندم مجبور به سکوت بودم و رفتارهای او را تحمل می کردم تا این که یک روز دردی به سراغم آمد، به طوری که متوجه شدم بخشی از سمت چپ بدنم بی حس شده است و چشمم نیز چیزی نمی بیند. سراسیمه و مضطرب با خواهرم تماس گرفتم و خودم را به بیمارستان رساندم ولی پزشک بیمارستان بعد از معاینات مقدماتی تشخیص داد که به بیماری ام اس مبتلا شده ام. حالا دیگر نمی توانستم از بیمارستان خارج شوم. خواهرم با زحمت زیاد مرا به منزل پدرم رساند اما همه آن ها از این ماجرا تعجب کرده بودند چرا که نمی دانستند من با چه مشکلاتی در زندگی مشترک روبه رو هستم. آن ها می گفتند تو که در زندگی همه چیز داری! پس چرا دچار استرس شده ای؟ من که پاسخی برای سوالات آن ها نداشتم راهی منزل شدم و ماجرای بیماری ام را برای همسرم بازگو کردم، اما او به جای آن که مرا دلدارای بددهن و به پهلودی امیدوار کند، رو به من کرد و گفت: اول هزینه های درمان را از پدرت بگیر و بعد نزد پزشکان متخصص برو این جله همسرم در ندا کتر از بیماری او بود ولی با هم سکوت کردم و به درمان های پزشکی ادامه دادم تا این که روز گذشته منشی پزشک معالجم از اتمام اعتبار دفتر چه بیمه درمانی ام خبر داد. با تعجب و نگرانی به رحمت زنگ زدم و از او درباره تمدید اعتبار بیمه درمانی پرسیدم اما همسرم با خونسردی گفت: از ابتدای ماه جاری دیگر هزینه بیمه شما را پرداخت نکردم اگر دوست داری بیمه شوی باید هزینه های آن را از پدرت بگیری. دیگر نتوانستم از ریزش اشک هایم جلوگیری کنم. همسرم در حالی اشک مرا درآورد که تازه فهمیدم او سنگ بنای ازدواج ما را روی سیم و زرهای پدرم گذاشته است اما ای کاش... گزارش روزنامه خراسان حاکی است، بررسی های کارشناسی و اقدامات مشاوره ای این پرونده، با صدور دستوری از سوی سرهنگ ابراهیم خواجه پور (رئیس کلانتری آبکوه) به مشاوران دایرمددکاری اجتماعی سپرده شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی



اختصاصی خراسان



عکس ها اختصاصی از خراسان

دستگاه وانت اجاره کردیم و همه کارتن های حاوی زعفران را به جاده کمر بند سبز انتقال دادیم چرا که از قبل خانه مخروبه ای را در آن جا برای پنهان کردن زعفران ها در نظر گرفته بودیم. برای آن که راننده وانت مزدا ی اجاره ای به ما مشکوک نشود، به او گفتیم بارها را باید این جا تخلیه کنیم تا بایک خودروی دیگر به شهرستان ببریم. بعد از آن به منازل خودمان رفتیم و روز بعد همه زعفران ها را دوباره به شهرک مهرگان بردیم و در منزل من مخفی کردیم ولی مدتی بعد احساس کردم زعفران ها رطوبت دارد و بوی تعفن گرفته است!

این بود که بلافاصله به بولوار دوم طبرسی رفتم و منزلی مبله را به بهای شبی ۳۰۰ هزار تومان اجاره کردم. سپس زعفران ها را به آن جا انتقال دادیم و روی زمین پهن کردیم تا شرایط فروش فراهم شود. کارآگاه شفیع زاده با اشاره به دستگیری همه عوامل مرتبط با این باند سرعت به عطف خاطر نشان کرد: بررسی های بیشتر برای کشف ابعاد دیگر این دستبر چندین میلیارد تومانی با دستورات ویژه قضایی همچنان ادامه دارد. وی در پایان به رانندگان حمل کالا نیز توصیه کرد: حتما افراد قابل اعتماد را به کار بگیرند و در صورتی که با مشکنها دارای انتقال کالا در ساعات نامتعارف یا بارهای مشکوک روبه رومی شوند، بلافاصله موضوع را با پلیس ۱۱۰ یا شماره ۲۱۲۸۵۲۶۷ پلیس آگاهی درمیان بگذارند.

جواد شفیع زاده گفت: طولی نکشید که با هماهنگی های قضایی، عملیات دستگیری ۴ متهم افغانستانی پرونده در نیمه شب آغاز شد و کارآگاهان اداره عملیات ویژه پلیس آگاهی خراسان رضوی در چند گروه ضربتی و به طور همزمان متهمان را در شهرک مهرگان و بولوار دوم طبرسی در حالی دستگیر کردند که همه زعفران ها به یک منزل اجاره ای روزانه منتقل شده بود.

این مقام با تجربه انتظامی اضافه کرد: با کشف محموله ۲۱۰ کیلوگرمی زعفران های صادراتی، متهمان نیز به پلیس آگاهی هدایت شدند و تحت بازجویی های فنی قرار گرفتند.

«امین» (یکی از متهمان اصلی پرونده) در بازجویی ها گفت: من به تازگی با شاگرد راننده پیکان وانت دوست شده بودم که روزی ماجرای انتقال مقادیر زیادی زعفران به کارگاهی در حاشیه شهر (شترک) را برابرم بازگو کرد. من هم که سوسه شده بودم، موضوع را با دو هموطن دیگرم در میان گذاشتم و بدین ترتیب نقشه سرقت زعفران ها را طراحی کردیم چرا که شاگرد راننده پیکان وانت معتقد بود به راحتی می تواند آن زعفران ها را آرام آرام در شهرک صنعتی به فروش برساند یا اگر بتوانیم آن ها را از مرز خارج می کنیم، به همین دلیل شبانه سوار بر خودروی ۲۰۶ که متعلق به من بود، به محل آمدیم و با تهدید نگهبان دست، پا و دهان او را بستیم تا سروصدان نکند! سپس یک

کارآگاه شفیع زاده تصریح کرد: این عملیات نامحسوس نشان داد که شاگرد جوان در هنگام وقوع سرقت (ساعت یک بامداد بیست و پنجم دی) در منطقه شترک حضور داشته است، به همین دلیل بررسی های کارآگاهان در این باره متمرکز و مشخص شد که او از مدتی قبل با جوان تبعه خارجی دیگری به نام «امین» ارتباط دارد.

رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی در ادامه این گفت و گو ی اختصاصی تاکید کرد: پس از آن که دو مظنون مذکور زیر چتر اطلاعاتی قرار گرفتند، رفت و آمد و معاشرت های پنهانی آن ها با دو جوان تبعه خارجی دیگر به نام های محمدرضا ۳۰ ساله و یاسر ۲۵ ساله نیز لورفت و سرخ هایی از خودروی پژو ۲۰۶ به دست آمد که متعلق به «امین» (جوان ۳۵ ساله) بود. این سرخ مهم، کارآگاهان را برای ورود به سومین مرحله از عملیات

های تخصصی به تکاپو انداخت چرا که آثار باقی مانده از خودروی سواری روی برف های محیط کارگاه نیز مربوط به یک دستگاه سواری پژو سرهنگ کارآگاه

و بدین ترتیب سرخ هایی از دزدان زعفران به دست آمد.

وی گفت: همزمان با شروع دومین مرحله از عملیات های پلیسی، اظهارات شاکی تبعه خارجی زیر ذره بین تحقیقات قرار گرفت و مشخص شد که وی زعفران ها را توسط راننده یک دستگاه پیکان وانت از شهرک صنعتی به منطقه شترک (محل کارگاه) انتقال داده است اما بررسی های نامحسوس کارآگاهان بیانگر آن بود که راننده وانت پیکان که او نیز تبعه خارجی است از حدود ۴ سال قبل بارهای بارش تری را برای شاکی حمل کرده است، بنابراین اونقشی در این ماجرا ندارد. در همین حال ادامه تحقیقات نامحسوس، به جوان ۲۴ ساله ای رسید که از حدود ۲ هفته قبل به عنوان شاگرد در انتقال بارهای شهری به راننده پیکان وانت کمک می کند. سرهنگ



جاساز ۲۷۶ کیلو شیشه و هروئین

در کامیون یخچال دار

دستگاه کامیون یخچال دار بود، متوقف

و به پاسگاه «نهیض آباد» منتقل کردند. این مقام ارشد انتظامی اظهار کرد: نیروهای پلیس طی استقرار چندین ساعته خود، در دل شب مشغول بررسی قسمت های مختلف این خودرو بودند و در نهایت موفق شدند از جاسازهای بسیار پیچیده داخل یخچال ۲۷۶ کیلوگرم مواد روان گردان شامل ۲۴۸ کیلوگرم شیشه و ۲۸ کیلوگرم هروئین کشف کنند. سردار «ناظری» با اشاره به دستگیری یک متهم در این زمینه و معرفی او به مرجع قضایی تصریح کرد: هر چند ممکن است سوداگران مرگ برای انتقال مواد خائمان سوز مخدر و تولیدات فوق العاده خطرناک صنعتی و گرفتار ساختن قشر جوان به اعتیاد به هر ترفندی متوسل شوند؛ خادمان نظم و امنیت همچون این عملیات در مقابله با آنان سرسخت تر عمل خواهند کرد.

توکلی - در عملیات شبانه پلیس شهرستان های «رودبار جنوب» و «کهنوج» محموله مواد صنعتی شیشه و هروئین از یک دستگاه کامیون یخچال دار کشف شد. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی استان کرمان بیان کرد: نیروهای پلیس مبارزه با مواد مخدر شهرستان رودبار جنوب به دنبال دریافت یک خبر موفق مبنی بر ورود محموله سنگین مواد روان گردان صنعتی از مرزهای شرقی به حوزه استان کرمان، ضمن تکمیل اقدامات اطلاعاتی، همه مسیرهای احتمالی عبور این محموله را شناسایی کردند. سردار عبدالرضا ناظری گفت: در ادامه چند گروه از مأموران پلیس شهرستان های «رودبار جنوب» و «کهنوج» طی یک عملیات شبانه و در نهایت سرعت عمل در چند نقطه محور «زهکلو ت-رودبار» مستقر و با پایش چندین ساعته این محور، خودروی مدنظر را که یک

جنایت در خیابان کارگر

دختر و پسر فراری مرد میان سال را کشتند

زندگی می کرد بعد از فرار به خانه او پناهه بردیم.

هنگامی که خانه و زندگی مرد میان سال را دیدم با دختر مورد علاقه ام نقشه کشیدیم و را برای سرقت اموالش به قتل برسانیم. این مرد جوان گفت: صبح روز حادثه هنگامی که مقتول در اتاقش خوابیده بود، با همدستی دختر جوان او را در تختخوابش خفه کردیم و به قتل رساندیم! سپس جسد مقتول را با یک خودرو به بیابان های نظرآباد کرج بردیم و در آن جا رها کردیم. کارآگاهان اداره چهارم و تیم تشخیص هویت پلیس آگاهی، پس از دریافت این اطلاعات مهم به همراه متخصصان پزشکی قانونی راهی بیابان های نظرآباد کرج شدند و جسد مرد میان سال را که به قتل رسیده بود، کشف کردند.

با دستور حمید رضاستمی، بازپرس شعبه دهم دادسرای امور جنایی، جسد مقتول برای بررسی های بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شد و متهمان برای روشن شدن زوایای پنهان پرونده در اختیار کارآگاهان دایره ویژه قتل پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفتند.

زده شد و کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی هویت این زن و مرد جوان را شناسایی کردند که بررسی های بیشتر نیز نشان می داد، این ۲ نفر به صورت مخفیانه از خانه های خود فرار کرده و به خانه مرد میان سال پناهه برده اند.

کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی که در جریان تحقیقات میدانی متوجه وجود دوربین های مدار بسته در ساختمان شده بودند، فیلم های آن را بازبینی و لحظه به لحظه تردد این زن و مرد جوان را در ساختمان مشاهده و آن ها را بازداشت کردند. مرد جوان که در بازجویی ها ابتدا منکر هر گونه تردد مشکوک به خانه فرد گمشده در خیابان کارگر گذاشتند و در نخستین گام پکی از همسایگان را هدف تحقیق قرار دادند. یکی از همسایه ها به تیم تحقیق گفت: چند وقتی می شود که مرد میان سال را در ساختمان ندیده ام، اما زن و مرد جوان ناشناسی رفت و آمدهای مشکوکی به این خانه داشتند و مقداری از وسایل خانه را هم از آبارتمان خارج کردند. بدین ترتیب اقدامات اطلاعاتی کلید

مرد میان سال توسط دختر و پسر فراری در خانه اش در خیابان کارگر به قتل رسید.

به گزارش تسنیم، نهم دی امسال، زن میان سالی به شعبه دهم دادسرای امور جنایی مراجعه کرد و هنگامی که مقابل بازپرس حمید رضاستمی قرار گرفت، گفت: برادرم در خانه اش در خیابان کارگر تنها زندگی می کرد؛ گاهی اوقات به صورت تلفنی با او ارتباط برقرار می کردم اما چند روزی می شود که تلفن همراهش خاموش و او ناپدید شده است. پس از اظهارات این زن جوان، تیمی از کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی وارد عمل شدند و با در خانه فرد گمشده در خیابان کارگر گذاشتند و در نخستین گام پکی از همسایگان را هدف تحقیق قرار دادند.

یکی از همسایه ها به تیم تحقیق گفت: چند وقتی می شود که مرد میان سال را در ساختمان ندیده ام، اما زن و مرد جوان ناشناسی رفت و آمدهای مشکوکی به این خانه داشتند و مقداری از وسایل خانه را هم از آبارتمان خارج کردند. بدین ترتیب اقدامات اطلاعاتی کلید

قتل برادر با ضربات چاقو در محله خزانه تهران

درگیر شده اند و مقتول در جریان این نزاع با ضربات چاقو به قتل رسیده است. بدین ترتیب قاتل ۳۵ ساله که در ابتدای بررسی های صحنه جنایت دستگیر شده بود، هدف بازجویی قرار گرفت. وی به تیم تحقیق گفت: برادرم چند سالی می شد که درگیر مواد مخدر شیشه بود به همین دلیل روز حادثه به برادرم اعتراض کردم اما با پر خاشاگری او مواجه شدم که ناگهان او چاقویی از جیب خود درآورد و به سمت من حمله کرد. متهم ادامه داد: در این میان من چاقو را از دست برادرم گرفتم و با همان چاقو چند ضربه به شکم و سینه اش وارد کردم. همه چیز در یک لحظه اتفاق افتاد و قصد به قتل رساندن برادرم را نداشتم! با دستور محمد جواد شفییعی، بازپرس ویژه قتل شعبه پنجم دادسرای امور جنایی، مقتول برای معاینات دقیق تر به پزشکی قانونی منتقل شد و متهم نیز برای روشن شدن زوایای پنهان پرونده در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

مرد جوانی که در جریان درگیری، برادر خود را با ضربات چاقو به قتل رسانده بود، در صحنه جنایت بازداشت شد. به گزارش تسنیم، یکشنبه دوم بهمن امسال، درگیری مرگبار ۲ برادر در خانه ای در محله خزانه به مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ گزارش شد که با اعلام این خبر، مأموران کلانتری ۱۶۰ خزانه و تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به همراه محمد جواد شفییعی بازپرس ویژه قتل شعبه پنجم دادسرای امور جنایی، راهی محل حادثه شدند و تحقیقات ابتدایی آغاز کردند. تیم جنایی پس از حضور در خانه مدنظر با جسد مرد حدود ۴۰ ساله ای مواجه شدند که از ناحیه سینه و شکم هدف ضربات مهلک چاقو قرار گرفته و به قتل رسیده بود، همچنین برادر مقتول که در صحنه جرم با لباس خونی حاضر بود، خود را به عنوان قاتل معرفی کرد و توسط پلیس دستگیر شد. تحقیقات تیم بررسی صحنه جرم حکایت از آن داشت که ۲ برادر در این خانه با یکدیگر

فرمانده کلانتری ۱۶۰

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای

مناقصه گزار: قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا (ص)، هلدینگ تخصصی راه و شهرسازی، واحد اجرایی راه سازه، پروژه چهارخطه کردن مسیر ورجان، پردیسان

موضوع مناقصه: عملیات تهیه و یخت، حمل به روی مسیر پروژه، یخش و کویش آسفالت جهت پروژه چهارخطه کردن مسیر ورجان- پردیسان

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۱۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (به حرفه: سیزده میلیارد ریال) است. ضمانتنامه بانکی معتبر طبق فرمت مندرج در اسناد و اعتبار آن به مدت حداقل ۳ ماه است.

مهلت، نحوه و محل دریافت اسناد: واجدین شرایط می توانند از تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۰۴ لغایت ۱۴۰۱/۱۱/۱۰ عابدی پلاک ۱۰۲، تلفن: ۲۶۶۲۵۱۷۸-۲۵ و یا به نشانی: قم، جاده پردیسان ، ورجان، جنب جایگاه سوخت آقای خلیجی، کارگاه چهار خطه کردن مسیر ورجان - پردیسان ، مدیریت فنی ، شماره تماس: ۰۹۳۳۵۳۲۵۶۵ مراجعه نمایند.

مهلت، نحوه و محل تحویل اسناد: مناقصه گران بایستی پس از دریافت اسناد، حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۰ اسناد مربوطه را تکمیل و در پاکت مهر شده به آدرس یاد شده تحویل نمایند.

مناقصه گزار در در هر یک یا تمام پیشنهادهای مختار بوده و هزینه درج آگهی ها به عهده برنده مناقصه است.